

تحلیلی بر رابطه‌ی خطی و غیرخطی بلندمرتبه‌سازی و میزان و نوع جرائم شهری (مطالعه‌ی موردی: مناطق حوزه‌ی شمال و جنوب شهر اصفهان)

مهین نسترن^۱، وحید قاسمی^۲، شبنم یساولیان^۳

چکیده

رشد روزافزون و بی‌رویه‌ی جمعیت در مناطق شهری بخصوص در کلان‌شهرها، چه بسا موجب ازدیاد بلندمرتبه‌سازی‌ها و همچنین بروز مشکلات زیادی همچون افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی، کاهش امنیت و... شده است که در دهه‌های اخیر در شهر اصفهان نیز رو به افزایش بوده است. این پژوهش با هدف بررسی رابطه‌ی بلندمرتبه‌سازی و میزان و نوع جرائم شهری است. جرم در مفهوم عام زائیده‌ی اجتماع و از توابع زندگی اجتماعی است اما جرائم شهری نیز با جرائمی که در مناطق روستایی خالی از سکنه روی می‌دهند، از حیث نوع، میزان و شرایط تفاوت دارند (السان، ۱۳۸۷: ۷). در این پژوهش علاوه بر ارزیابی ارتباط دو متغیر اصلی، عوامل دیگری را که در میزان جرائم شهری مؤثرند بررسی می‌شود. روش مورد استفاده آن روش توصیفی-تحلیلی است، از این رو برای انجام تحلیل‌های پژوهش، از ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن و ضریب همبستگی تفکیکی استفاده می‌شود. جامعه‌ی آماری تعیین شده ۷ منطقه‌ی حوزه‌ی شمال و جنوب شهر اصفهان- به ترتیب مناطق ۱۲، ۸، ۷، ۱۴ و ۱۳، ۵، ۶- است. این پژوهش به سبب محدودیت در اطلاعات مورد نیاز برای همه‌ی مناطق، فاقد نمونه بوده و

dr_nastaran1@yahoo.com

v.ghasemi@Itr.ui.ac.ir

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری مؤسسه آموزش عالی دانش‌پژوهان پیشرو اصفهان

Shabnam.yasavolian@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۱۶

تاریخ وصول: ۹۶/۴/۱۳

تحلیل‌ها بر روی جامعه‌ی آماری انجام شده است. تحلیل‌های انجام‌شده نشان داده‌است که رابطه‌ی خطی بین بلندمرتبه‌سازی و جرائم شهری، اندک بوده؛ به طور کلی افزایش بلندمرتبه‌سازی به میزان ۶.۵ درصد سبب افزایش جرائم می‌شود. از سوی دیگر رابطه‌ی غیرخطی شدیدی که میان دو متغیر فوق ایجاد شد، عدد ۰.۹۲ را نشان داده که رابطه‌ی بسیار شدید است. ضرایب اسپیرمن و پیرسون در میان ۴ گروه جرائم شهری نیز حاکی از آن است که گروه جرائم علیه اموال و مالکیت، با ضریب همبستگی پیرسون ۰.۴۷ و ضریب اسپیرمن ۰.۶، در میان سایر گروه‌ها رابطه‌ی قوی را برقرار ساخته‌است؛ که می‌تواند نشان دهد که احتمال ارتکاب جرم در مناطق بلندمرتبه همانند منطقه‌ی ۶ به دلیل وضعیت اقتصادی نسبتاً مناسب، بخصوص در برخی محله‌ها، توسط ساکنان دیگر مناطق، افزایش می‌یابد. در بررسی تأثیرات متغیرهای مداخله‌گر نیز نتایج حاصله نشان داد که هرچه وضعیت اشتغال، دوام و قدمت بناها در میان مناطق از وضعیت مناسب‌تری برخوردار باشد، میزان جرائم شهری نیز کمتر خواهد شد.

کلید واژه: بلندمرتبه‌سازی، جرائم شهری، امنیت فضای شهری، متغیرهای مداخله‌گر

طرح مسأله

از پیامدهای ازدیاد جمعیت و رشد بی‌رویه‌ی شهرها، افزایش جرم و جنایت در آنهاست. شناسایی عوامل جرم‌زا اصلی‌ترین گام در جهت کاهش جرایم محسوب می‌شود. (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲).

در قرن اخیر بخصوص با ایجاد جنبش‌هایی از جمله مدرنیته در اغلب کشورها و همچنین در پی افزایش کلی جمعیت جهان بسیاری از شهرسازان و معماران به ایجاد ساختمان‌های بلندمرتبه و عظیم روی آورده‌اند. آن‌ها می‌توانند توسط اندازه و تعدادشان تعریفی باشند از رشد شهرها در قرن بیست و یک (شورت^۱، ۲۰۰۷، ۹۹-۹۸). در دهه‌های گذشته در ایران با افزایش جمعیت در اغلب شهرها از جمله کلانشهر اصفهان مشکلات بسیاری از قبیل مشکلات مسکن و موضوع اقامت مهاجران ایجاد شد. در اینگونه شرایط در شهر اصفهان، علاوه بر رشد افقی، شهر به تدریج دارای رشد عمودی

¹: Short

شده و بسیاری ساختمان‌های بلندمرتبه در جای‌جای آن و حتی در بین بافت قدیم به چشم می‌خورد.

مسأله مورد نظر از آنجا ناشی می‌شود جرائم با توجه به مکان وقوع جرم می‌تواند متفاوت بوده و بر اثر دلایل گوناگونی رخ دهند. از توابع این پدیده می‌توان به کاهش امنیت در شهر و همچنین کاهش آسودگی خاطر شهروندان اشاره نمود. عوامل گوناگون محیطی، شرایط و همچنین وجود موانع می‌تواند تا حد زیادی بر روی افراد در جهت ارتکاب به جرم تأثیر داشته باشد. عواملی که در مکان سبب بروز جرائم می‌شوند متفاوت است (حیدری و همکاران: ۱۳۹۰: ۱۲). در شهر اصفهان پژوهشگر نظر بر این داشته که بخش‌هایی از شهر که ساختمان‌های بلند بیشتر به چشم می‌خورد، دارای ویژگی‌های خاصی از جمله بالا بودن سطح اقتصادی افراد، سطح دانش و فرهنگ مثبت در ساکنان و ...، در اکثریت موارد است. به همین دلیل کم بودن جرائم در این بخش‌ها انتظار می‌رود. از طرف دیگر در مناطقی از شهر اصفهان با بافت بلندمرتبه بیشتر، کاهش جرائم نسبت به سایر مناطق مشاهده نشده و حتی برخی از انواع جرم نیز بیشتر بروز کرده‌است. بر این اساس در این پژوهش به بررسی تأثیر پدیده‌ی بلندمرتبه‌سازی بر روی میزان جرائم شهری و همچنین انواع آن‌ها پرداخته شده‌است. بنابراین با توجه به هدف اصلی پژوهش که ارزیابی و تحلیل نقش بلندمرتبه‌سازی بر میزان و نوع جرائم شهری و در نهایت ارائه‌ی راهکارهایی برای کاهش آن است، فرضیه‌هایی وجود داشته که عبارتند از:

- ۱) میان بلندمرتبه‌سازی و میزان جرائم شهری رابطه‌ای خطی وجود دارد.
- ۲) رابطه‌ی میان بلندمرتبه‌سازی و میزان جرائم شهری رابطه‌ای نسبتاً قوی است.
- ۳) متغیرهای مداخله‌گر اقتصادی، جمعیتی، فرهنگی، کالبدی و ویژگی‌های کیفی نظیر مشارکت و سرزندگی بر روی میزان و نوع جرائم تأثیر بسیاری خواهند داشت.

در طی به وجود آمدن این فرضیه‌ها، در فرآیند اثبات یا رد این فرضیه‌ها سؤالات زیر به وجود آمده‌است که شامل:

- ۱) رابطه میان بلندمرتبه‌سازی و میزان جرائم شهری چیست؟
 - ۲) در صورت وجود رابطه‌ای میان دو متغیر اصلی، بلندمرتبه‌سازی تا چه اندازه بر روی جرائم شهری تأثیر گذارده‌است؟
 - ۳) چگونه و تا چه اندازه ویژگی‌های متغیرهای مداخله‌گر از جمله اقتصادی، جمعیتی، فرهنگی، کالبدی و ویژگی‌های کیفی نظیر مشارکت و سرزندگی، می‌توانند با میزان و نوع جرائم رابطه داشته‌باشند؟
- به همین دلیل هدف اصلی پژوهش ارزیابی و تحلیل نقش بلندمرتبه‌سازی بر میزان و نوع جرائم شهری و در نهایت ارائه‌ی راهکارهایی برای کاهش آن است. اندیشمندان طی بررسی‌های به عمل آمده به این نتیجه رسیده‌اند که انگیزه، زمان و مکان، سه عنصر اصلی در وقوع جرائم مختلف هستند (همان). در زمانی که به سبب ازدیاد جمعیت در شهرها، بلندمرتبه‌سازی یکی از مسائل رایج در ساخت و سازها، چه از طرف دولت برای حل اسکان شهروندان و چه از طرف بخش خصوصی در برای سرمایه‌گذاری با بازده بالا، شده‌است، از بافت بومی محله‌ها و مناطق شهری کاسته شده و رعایت موارد ساخت و ساز که در زمان‌های قدیم متداول بوده، رو به افول گذاشته‌است. درباره‌ی پیامدهای این پدیده که به نظر می‌رسد افزایش جرم و جنایت هم یکی از آنهاست، در شهرهای مختلف کشور بویژه کلانشهرها، تا کنون مطالعات و یا پژوهش‌های زیادی انجام نشده است. از این‌رو برنامه‌ریزان شهری می‌توانند با شناخت این پیامدها و نیز شناخت مکان‌های جرم‌خیز در شهر، با برنامه‌ریزی و طراحی مناسب از وقوع بسیاری از جرائم جلوگیری کنند.
- با انجام اینگونه پژوهش‌ها بر روی پدیده‌هایی از جمله جرائم شهری که مستقیماً با نیاز اصلی افراد، یعنی امنیت مرتبط است، می‌توان به برنامه‌ریزان و طراحان شهری نه تنها در شناخت این پدیده‌ها و همچنین عوامل بروز آنها کمک کرد بلکه با پیشنهاد راهکارهایی برای بهبود وضعیت، در این زمینه به آنها یاری رساند.
- با انجام اینگونه پژوهش‌ها بر روی پدیده‌هایی از جمله جرائم شهری که مستقیماً با نیاز

اصلی افراد، یعنی امنیت مرتبط است، می‌توان به برنامه‌ریزان و طراحان شهری نه تنها در شناخت این پدیده‌ها و همچنین عوامل بروز آن‌ها کمک کرد بلکه با پیشنهاد راهکارهایی برای بهبود وضعیت، در این زمینه به آن‌ها یاری رساند.

چهارچوب نظری پژوهش

از این رو امروزه مسئولان شهری توجه بیشتری به مقوله‌ی امنیت داشته و برنامه‌ریزان شهری نیز آن را به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی خود در نظر گرفته‌اند تا با ایجاد روش‌هایی در صدد افزایش آن برآیند. توسعه‌ی کالبدی و فیزیکی شهرها چه برای افقی و چه عمودی، ممکن است بر کاهش جرائم شهری و کاستن از وقوع جرم و یا افزایش آن تأثیرگذار بوده که در تئوری‌های برنامه‌ریزی شهری بدان اشاره شده است. در جدول مبانی نظری مفاهیم، نظریه‌ها و مفاهیمی آورده شده که از دریچه آن می‌توان به موضوع با چهارچوبی مشخص و در نتیجه، پیشبرد درست پژوهش و انتخاب معیارها، نظاره نمود.

جدول ۱: چهارچوب نظری پژوهش

نام اندیشمند	نظریه/مطالعه	توضیحات	متغیر قابل برداشت
کثله ^۱ و گری ^۲ (نیمه نخست قرن نوزدهم) ^۳	نظریه کنتلیسم	کثله بیان داشت جرائم در سطح یک جامعه مانند یک تابع ریاضی وابسته به تغییرات شرایط اقتصادی، اجتماعی، زمانی و مکانی هستند. همچنین گری به بررسی رابطه بین فقر، تراکم جمعیت تعلیم و تربیت با انواع جرائم پرداخت.	شرایط اقتصادی، اجتماعی، مکانی تراکم جمعیتی
آدا کیرنز (۲۰۱۲)	مطالعه‌ی تأثیر زندگی در ساختمان‌های بلند	در این بررسی با سایر اقامتگاه‌ها خروجی‌های اجتماعی مختلفی (مانند انسجام، ارتباط اجتماعی با همسایگان و دوستان و حمایت اجتماعی) را اندازه‌گیری شد و نتیجه نشان داد که آپارتمان‌های	ساختمان‌های بلندمرتبه، جرائم، خروجی‌های اجتماعی (میزان سواد)

1- Kethle

2- Gray

نام اندیشمند	نظریه/مطالعه	توضیحات	متغیر قابل برداشت
		بلند دارای بیشترین تأثیر منفی بر ساکنان هستند.	
بابایی و خدادادی (۱۳۹۴)	مطالعه‌ی تأثیر آپارتمان‌نشینی بر میزان جرائم شهری	در این تحقیق جرائم ارتكابی در ۱۳ دسته اصلی مورد مطالعه قرار گرفته است. بالا بودن میزان کاربری مسکونی، کمبود یا نبود برخی کاربری‌های مورد نیاز شهروندان از جمله کاربری‌های مذهبی، خدماتی، فرهنگی، گذران اوقات فراغت و نیز نبود کاربری انتظامی در نوع و میزان جرائم و شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری در این منطقه مؤثر بوده است.	میزان تحصیلات، وضعیت شغلی، نوع مسکن سرقت، نزاع و درگیری، رابطه‌ی نامشروع، قتل
انگلز ^۱ (۱۹۶۸)	نظریه ارتباط جرم با تراکم جمعیت	افزایش جرم و جنایت رابطه‌ی مستقیمی با افزایش تراکم جمعیت داشته است. او در بررسی جرائم خیابانی کالیفرنیا ارتباط بین جرم و تراکم جمعیت را اثبات نمود و همچنین به وجود افزایش جرم و تراکم فعالیت‌ها در خیابان‌های شهر معتقد شد.	تراکم جمعیت
براون و آلتمن ^۲ (۱۹۸۳)	مطالعه بر روی حکومت محله‌ای	استفاده از مفاهیم محله‌ای می‌تواند با تأثیر بر تصمیم سارق به سرقت مسلحانه، آن را کاهش دهد.	سرزندگی و مشارکت
پوینر ^۳ (۱۹۸۳)	مطالعه بر روی نظارت طبیعی	نظارت طبیعی که جزئی از تئوری فضاهای قابل دفاع است، بر روی کنترل سرقت مسکونی، شرارت در ساختمان‌های مسکونی چند واحدی و ورود به مدرسه تأثیرگذار است.	سرزندگی

1. Angeles
2. Brown and Altmen
3. Poyner

متغیر قابل برداشت		توضیحات	نظریه/مطالعه	نام اندیشمند
عناصر کالبدی، اجتماعی، اقتصادی		برخی از محدوده‌ها یا نقاط خاصی از شهر به دلیل وجود برخی عناصر کالبدی، اجتماعی، اقتصادی دارای تعداد زیادی جرم هستند.	نظریه مکان‌های جرم‌خیز	شرمن، گارتین، برگر ^۱ (۱۹۸۹)
تنوع (مهاجرت)	عوامل جمعیتی	مطالعه بر روی ابعاد شناختی، جمعیتی، آموزشی، سلامت، فرهنگ، شهرسازی، مسکن، حمل و نقل، اقتصاد، تسهیلات و امکانات شهری	مطالعه بر روی هم‌بندی ابعاد	معاونت برنامه‌ریزی و پژوهش و فناوری اطلاعات
دوام واحدهای مسکونی	عوامل مسکن			
بناهای با قدمت زیر ۲۵ سال	عوامل فرهنگی			
تعداد کتابخانه‌ها				
درصد جمعیت باسواد	عوامل اقتصادی			
درصد شاغلان				
جمعیت فعال				
نرخ اشتغال				
سرزندگی				
درصد جمعیت باسواد، تراکم جمعیتی، تنوع (مهاجران)		این دیدگاه بر پایه نظریات اکولوژیکی است، که میزان جرم با برخی شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی بین منزلت‌های پایین جامعه، از جمله بی‌سوادی یا کم‌سوادی، اجاره نشینی، تراکم بالای	نظریه ارتباط جرم با منزلت‌های اجتماعی و	شکوویی (۱۳۶۹)

1. Buerger & Sherman, Gartin
2. Hillier and Shu

نام اندیشمند	نظریه/مطالعه	توضیحات	متغیر قابل برداشت
	اقتصادی	جمعیت، وجود اقلیت‌های قومی، غیر استاندارد بودن محل زندگی و بالا بودن نرخ متولدین خارجی ارتباط دارد.	
شکویی (۱۳۶۹)	نظریه‌ی محیط فقر	بررسی با تعیین شاخص‌هایی چون کیفیت و نوع مسکن، میزان بیکاری و فقر- برای تعیین محیط‌های فقیرنشین شهر- رابطه‌ی این محیط‌ها با میزان ناهنجاری را مورد بررسی قرار می‌دهد.	کیفیت (دوام) مسکن، میزان بیکاری و فقر

می‌توان گفت که شناسایی مکان‌هایی که سبب وقوع جرم می‌شوند می‌توانند یکی از عوامل اصلی در کاهش جرائم تلقی شوند. همچنین از آنجا که تحقیقاتی در زمینه‌ی ارتباط بلندمرتبه‌سازی با میزان جرائم صورت گرفته پژوهشگر را - علاوه بر دلایل ذکر شده در بخش طرح مسأله- بر آن می‌دارد تا به بررسی رابطه‌ی این دو شاخص در شهر اصفهان بپردازد. با مطالعات انجام شده مشاهده شد که بسیاری متغیرهای در نظر گرفته شده متغیرهایی هستند که در جدول بالا و به طور کلی دو متغیر اصلی یعنی جرائم شهری و بلندمرتبه‌سازی و از طرف دیگر ابعاد جمعیتی، کالبدی، اقتصادی و فرهنگی مد نظر قرار گرفته، که در پژوهش حاضر از این متغیرها بهره‌گیری خواهد شد.

مبانی نظری

تعاریف و مفاهیم

مفهوم جرائم شهری

در این بخش به بررسی تعاریف و مفاهیم مرتبط با پژوهش می‌پردازیم. این مفاهیم عبارتند از: جرائم شهری، مفاهیم مرتبط، رویکردهای طراحی محیطی برای جلوگیری از ارتکاب جرم، امنیت شهری و بلندمرتبه‌سازی ناامنی‌ها، کج‌روی‌ها و جرم و جنایت‌های شهری در علوم مختلف بررسی و ریشه‌یابی شده است. به طور کلی دانشمندان علوم

مختلف در زمینه عوامل مؤثر بر نوع و میزان جرائم دیدگاه‌های مختلفی دارند که همه‌ی آن‌ها را می‌توان در هفت گروه تبیین کرد (زنگنه شهرکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۲):
جرائم شهری نیز با جرائمی که در مناطق روستایی یا نواحی خالی از سکنه (بیابان، جنگل و ...) روی می‌دهند، از حیث نوع، میزان و شرایط تفاوت دارند. افزون بر این، نهادهای پیشگیری از جرائم شهری و روش‌های معمول برای این امر نیز در مناطق شهری متفاوت با دیگر نقاطند. ناآشنایی مردم با همدیگر، نیازهای خاص مالی و پدیده‌هایی همچون اعتیاد به مواد مخدر، ارتباطات ویژه و امکانات خاص شهری نیز از جمله عوامل جرم‌ساز در شهرها هستند که به ندرت می‌توان آن‌ها را در مناطق روستایی مشاهده کرد (السان، ۱۳۸۷: ۸)؛ بدین‌سان جرائمی که در بخش روش‌شناسی پژوهش مطرح شده‌اند، از حیث دلایلی از جمله رو آوردن به پدیده‌هایی همچون اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، نیازهای خاص مالی، ناآشنایی مردم با یکدیگر و شرایط متفاوت شهر و روستا از جمله جرائم خاص مناطق شهری نام برده می‌شوند.

امنیت فضای شهری

امن بودن فضا خود دارای دو مؤلفه است: ایمنی و امنیت. در مؤلفه‌ی ایمنی، اشاره به موارد و عوامل محیطی است که در صورت عدم تأمین شرایط مطلوب وقوع حوادث اجتناب‌ناپذیر می‌شود و خطرات به صورت بالقوه و بالفعل جان و مال حاضران، عابران و ناظران را تهدید خواهد نمود (کلی^۱ و همکاران، ۲۰۰۹: ۲).

مفهوم امنیت در فضای شهری از یک‌سو با جرم ارتباط پیدا می‌کند- اگرچه از آن بسیار متفاوت است- و از سوی دیگر با مفهوم بزه‌دیده و ترس از بزه‌دیده واقع شدن. از سوی دیگر باید میان ترس و خطر، یا احساس امنیت کردن و در امان بودن تفاوت قائل شد. از نظر علمی درک اثرات جرم، یعنی ترس از وقوع جرم به اندازه‌ی خود آن، یعنی خطرهای آماری حاصل از وقوع جرم اهمیت دارد. واکنش نسبت به ترس از قربانی شدن، باعث می‌شود که بسیاری از مردم، از خطرات دوری کنند یا حداقل میزان در

^۱ Kelly et al

معرض خطر قرار گرفتندشان را کاهش دهند، که این خود می‌تواند به عدم حضور مردم نه تنها در یک مکان خاص بلکه در بیشتر فضاهای عمومی منجر شود (کارمونا، ۲۰۰۳: ۱۲۰-۱۱۹).

مؤلفه‌ی امنیت نیز به جرائم علیه اشخاص و اموال آن‌ها اشاره دارد که در صورت عدم تأمین شرایط پیش‌گیری‌کننده، اموال و جان حاضران، عابران و ناظران را به صورت بالقوه و بالفعل تهدید خواهد نمود. هر فضای شهری امن در معنای کامل آن شامل این دو مؤلفه می‌شود. شرایطی را که از فصل مشترک این دو به وجود آید، می‌توان به عنوان فضای شهری امن توصیف کرد (روت راک، ۲۰۱۰: ۹).

ساختمان‌های بلندمرتبه

در ایران طبق نشریه‌ی ۱۱۱ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دستور العمل اجرایی محافظت ساختمان در برابر آتش‌سوزی) تعریف ساختمان بلند به این نحو مطرح می‌شود: هر بنایی که ارتفاع آن (فاصله‌ی قائم بین تراز کف بالاترین طبقه‌ی قابل تصرف تا تراز پایین‌ترین سطح قابل دسترسی برای ماشین‌های آتش‌نشانی) از ۱۳ متر بیشتر باشد، ساختمان بلند محسوب می‌شود (مبهوت و همکاران، ۱۳۹۲: ۳). با توجه به بررسی‌های انجام شده در زمینه‌ی تعاریفی که از ساختمان‌های بلند مرتبه انجام شده، از تعاریفی که در سازمان‌های داخل ایران ارائه شده بهره برده و بر طبق تعریف نشریه‌ی ۱۱۱ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ساختمان‌های ۴ طبقه روی پیلوت که دارای ارتفاع بالای ۱۳ متر با توجه به تعریف بوده و همچنین متوسط میزان ساختمان‌های بلند در شهر اصفهان بر اساس مشاهدات، در نظر گرفته شده‌است.

نظریه‌های طراحی محیطی جلوگیری از جرم و جرم‌شناسی

نظریه‌های طراحی محیطی از آنجا که با میزان جرم و جنایت و همچنین امنیت شهرها مرتبط هستند، نظریه‌هایی هستند که سعی دارند ساختار کالبدی در فضاهای شهری را به

گونه‌ای طراحی کنند تا از میزان این جرائم کاسته شود. همانطور که ویلسون و نلینگ (۱۹۸۹) بیان داشته‌اند که رویکردهای جدید طراحی محیطی بر این نکته تأکید دارند که با توجه به ساختار کالبدی فضاهای شهری و تدوین و انجام دستورها و مقررات ویژه‌ی آنها، می‌توان به میزان گسترده‌ای از ارتکاب جرائم شهری جلوگیری کرد (نلسون و نلینگ، ۱۹۸۹).

با طراحی محیطی می‌توان از بروز جنایات جلوگیری نمود چراکه فرصت‌های جرم می‌تواند با شیوه‌های برنامه‌ریزی شهری و معماری کاهش یابد (اشنایدر و پیرسی، ۱۹۹۶). در اینجا به بیان سه نمونه از برجسته‌ترین نظریه‌های طراحی محیطی می‌پردازیم:

الف) رویکرد پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED)

ب) رویکرد امنیت از طریق طراحی (SBD)

ج) نظریه جرم‌شناسی «پنجره‌ی شکسته»

مکاتب جامعه‌شناسی جنایی

مکتب نقشه‌برداری یا جغرافیایی

نخستین مطالعات در جرم‌شناسی، در لباس جامعه‌شناسانه مطرح شدند. این امر به علت تولد جامعه‌شناسی از یک طرف و از طرف دیگر تدوین آمارهای جنایی فرانسه با کمک روش‌ها و الگوهای معمول در ریاضی بود. این دیدگاه توسط کتله و گری بر اساس دو علم جامعه‌شناسی عمومی و ریاضی به وجود آمد (قناد، ۱۳۷۴: ۱۸۰).

مکتب سوسیالیست

مکتب مارکسیستی در جرم‌شناسی، بر اساس مشاهدات و ملاحظات تجربی به وجود نیامده، بلکه مارکس و انگلس با استفاده از دیدگاه‌های علم اقتصاد و نحوه‌ی مطالعه آن بر روی مشکلات و بحران‌های اقتصادی، جرم و انحطاط را ناشی از توزیع ناعادلانه‌ی ثروت معرفی نمودند. مارکس جامعه را به روبنا و زیربنا تقسیم می‌کرد و معتقد بود

1. Wilson and Knelling
2. Schneider & Percy

حقوق جزا و مقررات آن فی‌نفسه جرم‌زاست زیرا حقوق برای تأمین منافع سرمایه‌داران به وجود آمده و ابزاری است در دست طبقه‌ی حاکم برای حفظ وضع موجود (همان).

مکتب محیط اجتماعی

دکتر لاکاسانی^۱ در رابطه با این دیدگاه با استفاده از دیدگاه لمبروزو و دیدگاه جامعه‌شناسانه دو نظر را مطرح می‌کند:

- ۱- هر جامعه دارای بزهکارانی است که شایسته آن است.
- ۲- بزهکار همچون میکروب است و جامعه محل کشت آن؛ هرگاه محل رشد آن میکروب مناسب باشد، آن میکروب رشد می‌کند و بالفعل می‌شود و زمانی میکروب (مجرم) نمو می‌یابد که محل کشت آن (جامعه) مناسب باشد (قناد، ۱۳۷۴: ۱۸۰-۱۸۱).

مکتب جامعه‌شناختی دورکیم

دورکیم^۲ جامعه‌شناس بود اما به دلیل مطالعات او در زمینه‌ی خودکشی، او را جرم‌شناس نیز تلقی کرده‌اند. از دیدگاه وی جرم پدیده‌ای بهنجار است. بزهکاری از علل استثنایی ناشی نمی‌شود بلکه برخاسته از ساخت فرهنگی جامعه است. وی بزهکاری را نتیجه‌ی وجود آنومی^۳ یا بی‌هنجاری یا خلأ هنجار در رفتار مجرم توصیف می‌کند که خود نتیجه‌ی ضعف هنجارهای اجتماعی در نزد اعضای جامعه است (قناد، ۱۳۷۴: ۱۸۱).

مکاتب علت‌شناختی

در مکاتب علت‌شناختی جدید از نظر تاریخی بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰ و جرم‌شناسی پویا بی ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ جرم‌شناسی واکنش اجتماعی از سال‌های ۱۹۶۰ به بعد به وجود آمده‌اند. مکاتب علت‌شناختی جنایی جدید بر محورهای چهارگانه‌ای مبتنی هستند که عامل روانی، وجه اشتراک آن‌ها را تشکیل می‌دهد. این مسیرهای چهارگانه عبارتند از: الف) مسیرهای زیست‌شناختی - روان‌شناختی (گرایش روان‌زیستی) ب) مسیرهای

۱- استاد پزشکی قانونی دادگاه لیون

2- Durkheim

3- Anomie

جامعه‌شناختی-روان‌شناختی ج) مسیرهای اخلاقی-روان‌شناختی د) مسیرهای ترکیبی یا سنتزی از مسیرهای قبل که در تعریف جرائم معانی این موارد آورده شده‌است (قناد، ۱۳۷۴: ۱۸۴-۱۸۵).

پیشینه‌ی تحقیق:

با توجه به تحولات شهری مذکور و افزایش بلندمرتبه‌سازی در کلانشهرهایی همانند شهر اصفهان، میزان جرائم شهری در حال افزایش بوده است. از این رو می‌توان به بررسی میزان تأثیر بلندمرتبه‌سازی بر میزان و نوع جرائم شهری پرداخت. با توجه به این اثرگذاری می‌توان راهکارهایی را برای افزایش کیفیت کالبدی محیط‌های مسکونی و همچنین بناهای موجود در آن برای رعایت استانداردهای شهرسازی و معماری و توجه به کیفیت زندگی ارائه داد زیرا زمانی که صحبت از استانداردهای شهرسازی و معماری می‌شود، معماران و شهرسازان به دنبال راه حل‌های فنی و مصالح لازم، در بالا بردن استحکام فیزیکی آن می‌گردند و یا حداکثر جلوه‌های ظاهری و داخلی نماها مورد توجه قرار می‌گیرد در حالیکه خود محیط می‌تواند بر رفتار افراد مؤثر باشد و از این طریق به طور غیر مستقیم بر وقوع جرم تأثیر گذارد.

- در مکتب اکولوژی شهری (۱۹۱۶) تا حدی به تأثیر محیط در شکل‌گیری جرائم توجه شده است. بر اساس دیدگاه اکولوژی در مورد جرائم شهری، نظریه‌ی محیط مساعد مطرح شده که در آن به بیان تأثیرات محیط زندگی جهت ارتکاب انواع جرائم پرداخته می‌شود (ادیبی سعیدی‌نژاد و عظیمی، ۱۳۹۰: ۸۵).

- از پیشگامان نظریه‌پردازی درباره‌ی رابطه‌ی جرائم شهری با محیط جغرافیایی می‌توان از محققانی همچون گری و کتله نام برد که در قرن نوزدهم در تحقیقات خود مشخص کردند که جرائم در شهرها ارتباط تنگاتنگی با فضای جغرافیایی آن‌ها دارد. آن‌ها معتقد بودند که جرم به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی، تابع دو متغیر مکان و زمان است (کی‌نیا، ۱۳۷۳: ۴۶۹).

- در بررسی انجام شده توسط زنگنه شهرکی و همکاران (۱۳۹۰)، تأثیر

بلندمرتبه‌سازی بر میزان جرائم شهری مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا با در نظر گرفتن شاخص‌هایی در زمینه‌ی دو متغیر جرائم شهری و عمودی‌سازی و سپس همپوشانی دو نقشه‌ی تراکم ساختمان‌های بلندمرتبه و نقشه‌ی تراکم جرائم، انطباق بالا بودن میزان جرم و جنایت و همچنین بالا بودن تراکم ساختمان‌های بلندمرتبه در مناطق یکسان به دست آمده است. ضریب همبستگی نیز میزان معناداری بالایی میان این دو متغیر را نشان داد. در ادامه به این نتیجه دست‌یافته‌شده که عامل بلندمرتبه‌سازی تنها عامل وقوع جرم و جنایت‌های شهری نیست میزان رعایت استانداردها و مقررات در سه زمینه‌ی سرانه‌ی فضای باز واحدهای مسکونی، وضعیت تفکیک زمین و نیز تراکم ساختمانی در ساختمان‌های بلندمرتبه، از علل افزایش وقوع جرم در مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران بوده است.

- بابایی و خدادادی (۱۳۹۴) تأثیر آپارتمان‌نشینی را بر میزان جرائم شهری مورد هدف قرار داده‌اند. در این تحقیق جرائم ارتكابی در ۱۳ دسته‌ی اصلی در محدوده‌ی شهرک نگین مورد مطالعه قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل‌ها از روش تخمین تراکم کرنل (مناسبترین روش برای به تصویر کشیدن داده‌های بزهکاری به صورت سطح پیوسته)، استفاده شده است. در مجموع ۲۵۸۶۱ فقره جرم در سال مورد مطالعه در محدوده‌ی شهر اصفهان به وقوع پیوسته است. بررسی پراکندگی مکان‌های وقوع کل جرائم در سطح شهرک نگین نشان می‌دهد، مهمترین کانون شهرک در ارتباط با محله‌های نریمانی، صدف، مروارید و زمرد شکل گرفته است. بالا بودن میزان کاربری مسکونی، کمبود یا نبود برخی کاربری‌های موردنیاز شهروندان از جمله کاربری‌های مذهبی، خدماتی، فرهنگی، گذران اوقات فراغت و نیز نبود کاربری انتظامی در توزیع جغرافیایی نوع و میزان جرائم و شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری در این منطقه مؤثر بوده است.

- محققان مختلف عواقب و اثرات مضر زندگی در ساختمان‌های بلند را برجسته می‌کنند (Gifford, 2000; Kearns et al. 2012, wood 2013) یک مطالعه‌ی مهم که توسط پروفیسور آدا کیرنز و همکارانش (۲۰۱۲) در گلاسکو انجام شده است که بررسی

تأثیر زندگی در ساختمان‌های بلند در مقایسه با سایر اقامتگاه‌هاست. آنها خروجی‌های اجتماعی مختلفی (مانند انسجام، ارتباط اجتماعی با همسایگان و دوستان و حمایت اجتماعی) را اندازه‌گیری کردند و نتیجه گرفتند آپارتمان‌های بلند دارای بیشترین تأثیر منفی بر ساکنان هستند. این تأثیرات می‌توانند در ۶ دسته خلاصه شوند: ترس، ناامنی و جرم، اثراتی بر روی سلامت فیزیکی و روانی به دلیل اندازه‌ی کوچک واحدهای مسکونی و وجود فضاهای پرجمعیت، کاهش حس بودن بخشی از جامعه و آشنایی کمتر با همسایگان، پایین بودن سطح حمایت از طرف جامعه و توسعه‌ی اجتماعی به دلیل انزوا، تأثیر بر روی خانواده‌ها و کودکان و دور نگه‌داشتن فرزندان از والدین به لحاظ همدلی و همبستگی به جهت نظارت کودکان و احساس حضور در محیطی نگران، ناامن و دارای مشکلات، که باعث بروز مشکلات روانی از جمله اضطراب، مشکلات رفتاری و اختلال در یادگیری می‌شود؛ کمبود احساس هویتی به دلیل یک شکل بودن و استانداردسازی همه‌ی طبقات با یکدیگر.

- آل جوخادار^۱ و جبی^۲ (۲۰۱۶) در تحقیق خود بر مفاهیم تعریفی گسترده‌تر از پایداری در هوای گرم خاورمیانه و شمال آفریقا تمرکز کرده‌اند چرا که اکثر ساختمان‌های مسکونی بلندمرتبه‌ی فعلی در این مناطق، همبستگی اجتماعی را افزایش نمی‌دهند، زیرا بدون توجه به هویت محلی ساخته شده‌اند. در مقابل، خانه‌ها و محله‌های حیاط بومی، نمونه‌های خوبی را از محیط‌های انسجام اجتماعی و سالم ارائه می‌دهند. با این حال، خانه‌های بومی ممکن است با فشار ساختاری مدرن سازگار نباشد. سپس این سؤال به وجود می‌آید که چگونه می‌توان از رابطه بین جنبه‌های فضایی، اجتماعی و زیست‌محیطی در حالی که از آخرین فن‌آوری‌ها و مواد استفاده می‌شود، حفاظت نمود. این مقاله کیفیت‌های مختلف خانه‌های بومی و محله‌های مختلف مناطق خاورمیانه و شمال آفریقا را مطرح می‌کند. روابط اجتماعی و فضایی موارد مختلف از طریق یک روش

۱- Al-Jokhadar

۲- Jabi

تحلیل‌شناختی با استفاده از یک مدل تحلیلی-هندسی توسعه یافته، برای ردیابی شیوه‌ی زندگی و ارزش‌های فرهنگی جامعه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. هدف این است که اکتشاف پارامتری راه‌های پایدار مناسب که نیازهای اجتماعی-اقلیمی، خواسته‌های رفاه ساکنان و ویژگی‌های فرهنگی خاص، در هر زمان و مردمان مختلف را در هنگام طراحی پایدار توسعه‌ی بلندمرتبه‌سازی فراهم آورد. این پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر ساختمان‌های بلندمرتبه‌ی کنونی درخاورمیانه و شمال آفریقا، دارای کمبود هویت مکانی است، در حالی که بسیاری از ساختمان‌های سنتی مثال‌های مناسبی برای انسجام اجتماعی و محیط سالمی هستند. بسیاری از جنبه‌ها از جمله سلسله‌مراتب فضاها، درجه‌های گوناگون باز و بسته بودن فضا، حیاط‌های خلوت، استفاده از طراحی فضای نرم و سخت، بهره‌برداری اختصاصی از فضاها، پارامترهای محیطی و فضایی که باید با فرآیند طراحی ساختمان‌های پایدار معاصر انسجام داشته باشند؛ باید مورد توجه قرار گیرند.

جمع‌بندی پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات انجام شده در زمینه جرائم شهری و بلندمرتبه‌سازی در ابتدای امر، اهمیت این دو مقوله را برای کیفیت زندگی افراد آشکار ساخته‌است. واضح است که وجود جرائم شهری زیاد، امنیت و آسایش را صلب کرده و خطرات فراوان روحی و فیزیکی را برای افراد پدید می‌آورد. در بسیاری از مطالعات، مشاهده شده که مکان وقوع جرم یکی از مهم‌ترین مواردی است که باید مورد بررسی قرار گیرد؛ در حالی که علل مسبب ارتکاب جرم در مکان عاملی است که آن مکان را از جهت وجود و یا عدم وجود جرم، دارای اهمیت می‌سازد. از حیث وجود مکان در مطالعات فوق، مکان‌هایی با ساختمان‌های بلندمرتبه مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در آن‌ها رابطه‌ای نیز میان دو مقوله‌ی بلندمرتبه‌سازی و جرائم شهری وجود داشته و از حیث عوامل مسبب ایجاد جرم نیز عوامل کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و غیره از جمله مواردی بوده‌اند که پژوهشگران را در زمینه‌ی افزایش و یا کاهش جرم به فکر واداشته‌اند. همچنین مطالعه‌ی تکنیک‌های به کاربرده شده برای کاهش جرم همانند رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی

از آن جهت مورد اهمیت قرار می‌گیرد که علاوه بر بیان دغدغه‌ی امنیت ساکنان شهر برای اندیشمندان، ارائه‌ی پیشنهادهای مناسبی را برای کاهش جرم و جنایت و افزایش امنیت سبب می‌شود. بدین روی در این پژوهش از آن‌جا که مکان‌های وقوع جرم که همان محدوده‌های بلندمرتبه‌سازی شده‌اند، مد نظر قرار گرفته، به نظر می‌رسد که نباید از تأثیر سایر عوامل چشم‌پوشی نمود چراکه ممکن است نقش اولیه‌ای در میزان ارتکاب و نیز نوع جرم داشته‌باشند.

روش‌شناسی پژوهش

در این تحقیق استفاده از روش توصیفی-تحلیلی مد نظر قرار گرفته به گونه‌ای که با بررسی مقالات، کتاب‌ها و هتعاریف و ویژگی‌های بلندمرتبه‌سازی و ویژگی‌های آن، جرائم شهری و ارتباط میان امنیت در مناطق بلندمرتبه شهر اصفهان، بررسی و بیان شده؛ سپس داده‌های این تحقیق از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین اطلاعات سازمان‌های معاونت برنامه‌ریزی و پژوهش شهرداری اصفهان، معاونت شهرسازی و معماری، سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا)، دادگستری کل شهر اصفهان و معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمع‌آوری شده است. جامعه‌ی آماری شامل ۴ منطقه‌ی ۱۲، ۸، ۷ و ۱۴ در حوزه‌ی شمال و ۳ منطقه‌ی ۱۳، ۵ و ۶ در حوزه‌ی جنوب شهر اصفهان است. از آنجا که همه‌ی مناطق شهر اصفهان مورد مطالعه قرار نگرفته، این پژوهش فاقد نمونه‌ی آماری پرسشنامه است. متغیرهای اصلی این پژوهش شامل دو متغیر بلندمرتبه‌سازی (متغیر مستقل) و متغیر جرائم شهری (متغیر وابسته) است که ۲۶ شاخص برای آن در نظر گرفته شده است. برای متغیر جرائم شهری که با توجه به دایره‌المعارف حقوق و جزای اختصاصی به ۴ دسته کلی تقسیم شده‌اند، در جدول زیر آورده شده است.

جدول شماره ۲: شاخص‌های جرائم شهری

جرائم علیه اشخاص		جرائم علیه اشخاص معنوی		جرائم علیه اموال و مالکیت		جرائم علیه آسایش و سلامت	
قتل غیر عمد ناشی از حوادث	قتل عمد	خودکشی	خودکشی	سرقت وسایل و متعلقات تأسیسات عمومی	سرقت وسایل	سرقت وسایل	سرقت وسایل
معاونت در قتل عمومی	معاونت در قتل عمومی	معاونت در قتل عمومی	معاونت در قتل عمومی	سرقت مسلحانه	سرقت مسلحانه	سرقت مسلحانه	سرقت مسلحانه
ارتکاب قتل عمد و فرار قاتل	ارتکاب قتل عمد و فرار قاتل	ارتکاب قتل عمد و فرار قاتل	ارتکاب قتل عمد و فرار قاتل	کلاهبرداری	کلاهبرداری	کلاهبرداری	کلاهبرداری
				عدم رعایت مقررات و قانون ورود و اقامت	عدم رعایت مقررات و قانون ورود و اقامت	عدم رعایت مقررات و قانون ورود و اقامت	عدم رعایت مقررات و قانون ورود و اقامت
				دائر یا اداره کردن مرکز فساد و فحشاء	دائر یا اداره کردن مرکز فساد و فحشاء	دائر یا اداره کردن مرکز فساد و فحشاء	دائر یا اداره کردن مرکز فساد و فحشاء
				زنا به عنف	زنا به عنف	زنا به عنف	زنا به عنف
				اخاذی/انتقال مال غیر	اخاذی/انتقال مال غیر	اخاذی/انتقال مال غیر	اخاذی/انتقال مال غیر
				مزاحمت ملکی	مزاحمت ملکی	مزاحمت ملکی	مزاحمت ملکی
				آدم ربایی	آدم ربایی	آدم ربایی	آدم ربایی
				تکدی و کلاشی	تکدی و کلاشی	تکدی و کلاشی	تکدی و کلاشی
				بله‌مان‌گانه‌نامه	بله‌مان‌گانه‌نامه	بله‌مان‌گانه‌نامه	بله‌مان‌گانه‌نامه
				ارعاب	ارعاب	ارعاب	ارعاب

همچنین متغیرهای مداخله‌گر در جداول زیر به تفکیک آورده شده‌اند.

جدول ۳: متغیرهای مداخله‌گر

متغیرهای مداخله‌گر	ریز متغیرها	متغیرهای مداخله‌گر	ریز متغیرها
عوامل جمعیتی	تراکم جمعیتی	وضعیت کالبدی بناها	درصد واحدهای مسکونی با دوام
	تنوع (درصد مهاجران وارد شده)		درصد بناهایی با عمر زیر ۲۵ سال
مراکز فرهنگی و سواد اشخاص	تعداد کتابخانه‌ها	چگونگی وضعیت اشتغال افراد	نسبت شاغلان به افراد جامعه
	تعداد کتابفروشی		درصد جمعیت فعال

درصد نرخ اشتغال	تعداد مراکز دانشگاهی	
	درصد جمعیت باسواد	

جدول ۴: متغیرهای کیفی

متغیرهای کیفی	
سرزندگی فضاهای شهری	مشارکت

در بحث روایی پژوهش، برای انتخاب شاخص‌های جرائم شهری، از دایره‌المعارف حقوق جزای اختصاصی (۱۳۹۳) استفاده نمودیم. همچنین برای انتخاب شاخص‌های اصلی جرائم شهری از پنل نخبگان بهره برده‌ایم. این پنل شامل یک نفر کارشناس شهرسازی، یک نفر کارشناس جامعه‌شناسی، یک نفر حقوقدان (مستشار حقوق کیفری)، یک نفر کارشناس قضایی (مستشار قضایی تجدید نظر) است. اعتبار گزارش تهیه شده از پژوهش نیز از طریق کنترل بیرونی پژوهش از طریق داوری کارشناسان مجرب جامعه‌شناسی و شهرسازی مورد تأیید قرار گرفته، همچنین در تحلیل‌های به دست آمده، پژوهشگر فرضیه‌ها و سؤالات را در رویارویی با شواهد نقض‌کننده اصلاح کرده‌است.

برای تحلیل با شاخص‌سازی داده‌ها و با استفاده از نرم‌افزار SPSS، رابطه‌ی متغیرها بین دو شاخص اصلی بلندمرتبه‌سازی و جرائم شهری، با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن و ضریب همبستگی تفکیکی تحلیل شده‌اند. این در حالی‌ست که روابط غیر خطی متغیرها با معادله‌های درجه‌ی ۲ (Quadratic) و معادله‌ی درجه‌ی ۳ (Cubic) سنجیده شده‌اند.

بحث اصلی

شهر اصفهان در ۳۲ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۳۹ دقیقه طول شرقی با ارتفاع متوسط ۱۵۷۰ متر از سطح دریا در ساحل زنده‌رود قرار گرفته است

(ضرابی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷۶).

مساحت و حریم قانونی شهر اصفهان در حدود ۵۵۰۷۲ و جمعیت آن در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۱۹۶۸۴۹۹ برآورد شده است. این شهر در سال ۱۳۹۵ از ۱۵ منطقه تشکیل شده است.

از طریق مطالعات انجام شده از جمله ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و ... که با توجه به معیارهای در نظر گرفته برای این پژوهش، ارزیابی و تجزیه و تحلیل‌ها ممکن می‌شود. در ابتدا متغیرهای اصلی را با هم مقایسه کرده تا به نتیجه‌ای کلی از تراکم بلندمرتبه‌سازی و تراکم جرائم شهری دست‌یابیم.

توصیف تک‌متغیره‌ی داده‌های موجود جرائم شهری در شهر اصفهان با چهار شاخص آماری کمینه، بیشینه، میانگین و انحراف معیار مشخص شده تا وضعیت و پراکندگی آن‌ها در مقایسه با وضعیت متوسط تعیین شود. برای درک بهتر از انواع و میزان جرائم در تمامی ۷ منطقه مورد مطالعه شهر اصفهان، توجه به دو عدد میانگین و انحراف معیار دارای اهمیت است. در میان جرائم بیشترین میانگین، متعلق به صدور چک بی‌محل و پس از آن به ترتیب اخاذی/انتقال مال غیر و زنا به عنف است؛ میانگین نشان‌دهنده‌ی آن است که بیشترین میزان بزه متعلق به این سه جرم بوده و بیشترین میزان این سه جرم به ترتیب در مناطق ۷، ۶ و ۶ رخ داده است. از آن جایی که بیشترین عدد انحراف معیار متعلق به زنا به عنف است، پس می‌توان نتیجه گرفت که پراکندگی این جرم در مناطق زیاد بوده و عدد بالای آن مربوط به چند منطقه خاص است. کمترین نوع جرم اتفاق افتاده نیز جعل اسکناس بوده و همچنین منطقه‌ی ۸ دارای کمترین میزان جرائم است.

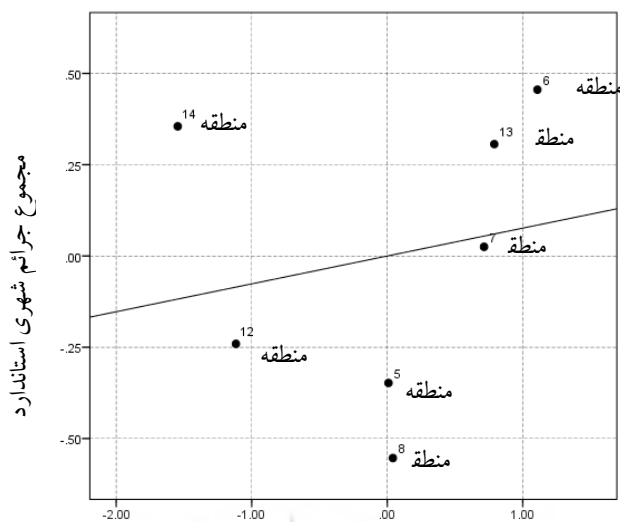
توصیف تک‌تک متغیرهای مداخله‌گر نیز مورد بررسی قرار گرفت به گونه‌ای که با توجه به جدول شماره‌ی ۲ و ۳، هر تعدادی از آن‌ها در یک دسته قرار گرفته و میانگین هر دسته به صورت کلی مورد بررسی قرار گرفته که در ادامه به آن پرداخته شده است.

همواره یکی از مشکلاتی که بر سر راه توصیف داده‌های خام قرار داشته، عدم وجود واحدهای یکسان است؛ از این رو مسأله‌ی استانداردسازی واحدها، یکی از اصولی است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد تا بتوان داده‌های گوناگون را با یکدیگر

مقایسه و نیز تحلیل نمود تا نتیجه به دست آمده، نتیجه‌ای قابل اطمینان و نزدیک به واقعیت باشد. این عملیات نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده‌است.

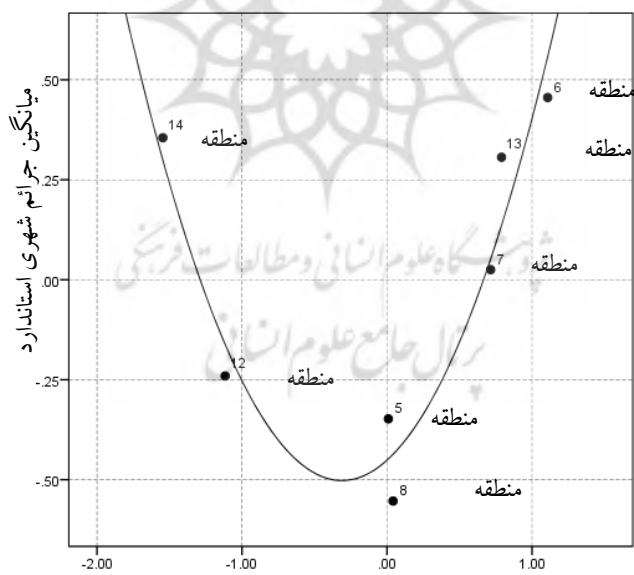
در ابتدای کار همانطور که از موضوع پژوهش نیز برمی‌آید، مسأله‌ی اصلی وجود و یا عدم وجود و همچنین چگونگی رابطه میان میزان جرائم شهری با بلندمرتبه‌سازی است. در ابتدا با استفاده از رسم نمودار پراکندگی (نمودار ۱) مجموع داده‌های جرائم شهری استاندارد شده و استاندارد داده‌های بلندمرتبه‌سازی مناطق، سؤال اول پژوهش که رابطه‌ی متغیرهای اصلی مستقل و وابسته است بررسی شده‌است.

در نمودار شماره‌ی ۱، خط برازش با شیب نسبتاً کمی رسم شده‌است. از آن‌جا که عدد همبستگی مدل خطی نیز برابر با ۰.۰۶۵ است، می‌توان گفت که در هفت منطقه‌ی شهر اصفهان، رابطه میان دو متغیر اصلی رابطه‌ای ضعیف است. در نتیجه افزایش بلندمرتبه‌سازی در یک رگرسیون خطی به نسبت بسیار کمی سبب افزایش جرائم شهری است. برای یافتن روابط محتمل دیگر میان این دو متغیر، از رابطه‌ی کوادراتیک (معادله درجه ۲) و رابطه‌ی کیوبیک مورد بررسی قرار گرفته‌است. با کشیدن خط کوادراتیک و یا منحنی سهمی، دریافت شده که در ۷ منطقه‌ی مورد مطالعه، رابطه‌ای بسیار قوی میان جرائم و بلندمرتبه‌سازی، ایجاد شده‌است. عدد برازش منحنی در نمودار برابر با ۰.۹۲ و بسیار نزدیک به ۱ است که نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی بسیار قوی غیر خطی میان متغیرهای مذکور است.



استاندارد مناطق به ترتیب تراکم طبقاتی کم تا زیاد

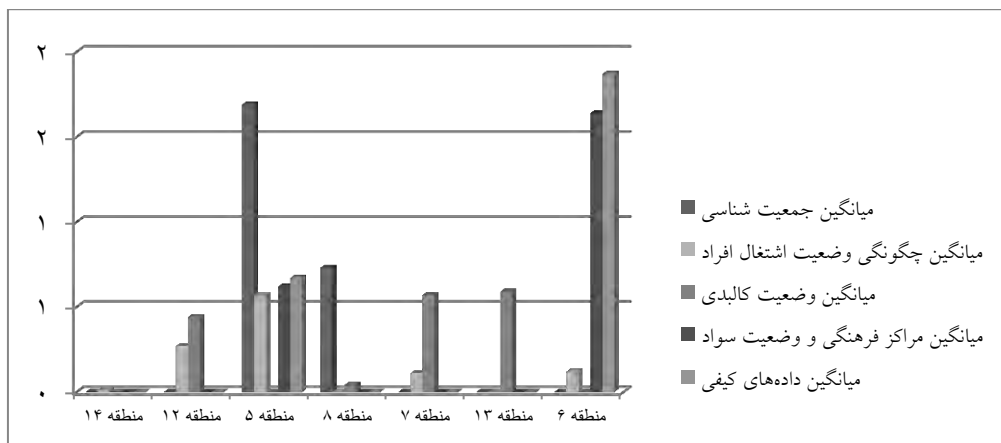
نمودار ۱: نمودار پراکندگی و برازش خطی میان جرائم شهری و بلندمرتبه‌سازی



استاندارد مناطق به ترتیب تراکم طبقاتی کم تا زیاد

نمودار ۲: نمودار پراکندگی و خط برازش منحنی میان جرائم شهری و بلندمرتبه‌سازی

یافتن رابطه بین انواع جرائم شهری با بلندمرتبه‌سازی، از دیگر اهداف اصلی این پژوهش است، از این رو از ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن بهره برده تا میزان همبستگی میان تک تک شاخص‌های جرائم شهری نام برده در جدول شماره ۱ و بناهای بالای ۴ طبقه بررسی شود. دو ضریب همبستگی پیرسون، برای بررسی همبستگی فاصله‌ای بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که بر اساس فاصله‌ی بلندمرتبه‌سازی مناطق و نیز رتبه‌ی آن‌ها، جرائم قماربازی، نگهداری مشروبات الکلی، دایر یا اداره کردن مرکز فساد و فحشاء، ارتکاب قتل عمد و فرار قاتل، سرقت مسلحانه، اخاذی/انتقال مال غیر، زنا به عنف، رانندگی بدون پروانه‌ی رسمی و کیف‌زنی به ترتیب و به صورت نزولی دارای همبستگی زیادی با بلندمرتبه‌سازی هستند. این همبستگی به صورت مثبت بوده به صورتی که هرچه میزان بلندمرتبه‌سازی زیاد باشد، جرائم مطرح شده نیز افزایش می‌یابد. از طرفی ضرب و جرح غیر عمد، نگهداری شوکر، ولگردی، مشارکت در نزاع، جعل اسکناس و مزاحمت ملکی و نیز به ترتیب نزولی، دارای همبستگی معکوس با بلندمرتبه‌سازی بوده‌اند. با توجه به دسته‌بندی جرائم مورد مطالعه به ۴ گروه کلی، بیشترین میزان همبستگی میان دو متغیر اصلی مربوط به گروه جرائم علیه اموال و مالکیت بوده است. از آنجا که جرائم علیه اموال و مالکیت در مناطق بلندمرتبه زیاد بوده، به نظر می‌رسد این جرائم بیشتر در بخش‌های ثروتمند نشین بیشتر اتفاق می‌افتد. از طرف دیگر دسته‌های جداگانه متغیرها با توجه به متغیر اصلی بلندمرتبه‌سازی یک به یک مورد بررسی قرار گرفتند. با رسم نمودار میانگین این متغیرهای کلی، وضعیت هر کدام از آن‌ها در مناطق شهر اصفهان به دست آمد. این وضعیت بر اساس ۷ منطقه مرتب شد به گونه‌ای که با توجه میزان بلندمرتبه‌سازی، از کم به زیاد اولویت‌بندی شده‌اند. سپس برای دست‌یابی به یک نتیجه‌ی کلی‌تر از وضعیت این مناطق نمودار زیر بر اساس ۵ دسته‌ی فوق‌الذکر ترسیم شده است.



نمودار ۳: مناطق حوزه‌ی شمال و جنوب شهر اصفهان بر اساس ۵ دسته کلی متغیرهای مداخله‌گر

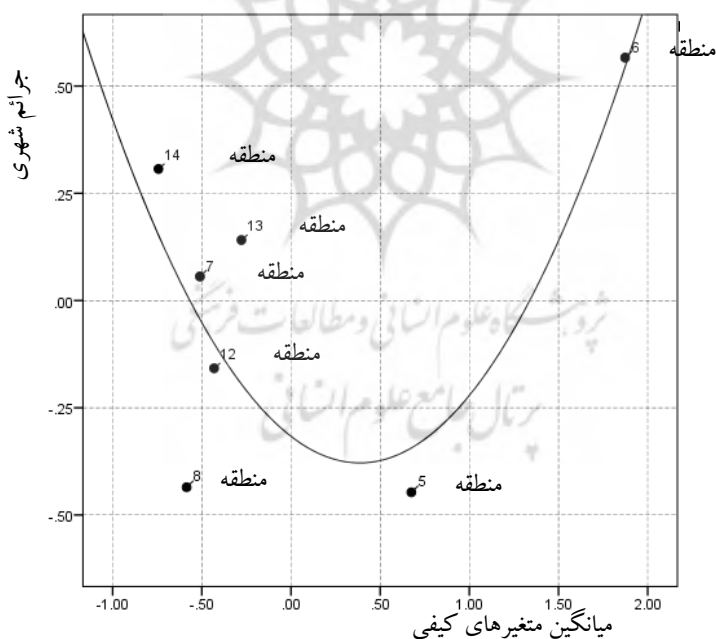
در نمودار فوق مناطق بر اساس تراکم طبقاتی از کم به زیاد قرار گرفته‌اند. می‌توان مشاهده نمود که به طور تقریبی دو منطقه‌ی ۵ و ۶، بیشترین میزان متغیرهای مداخله‌گر را دارا هستند. افزایش سایر متغیرها نشان‌دهنده‌ی وضعیت مطلوب هستند. پس به طور کلی می‌توان دو منطقه‌ی ۵ و ۶ را در بهترین وضعیت و منطقه‌ی ۱۴ را در بدترین وضعیت ممکن نسبت به دیگر مناطق در نظر گرفت. این در حالی است که منطقه ۶ دارای بالاترین میزان بلندمرتبه‌سازی بوده و هم‌چنین از بیشترین میزان جرائم شهری برخوردار است. در منطقه‌ی ۵ نیز که شرایط در اکثر عوامل مطلوب‌تر است جرائم کمی رخ داده است.

با بررسی رابطه‌ی علت و معلولی دو متغیر اصلی نمی‌توان به این نتیجه دست یافت که مسبب افزایش جرائم، میزان بلندمرتبه‌سازی در شهر بوده است، زیرا آشکار است که مجموع علل و عوامل زیادی دست به دست هم می‌دهد تا جرم در یک منطقه افزایش یا کاهش یابد. پس از بررسی رابطه‌ی اصلی، در این مرحله هدف آن است که رابطه‌ی دو متغیر اصلی با کنترل هریک از متغیرهای مداخله‌گر سنجیده شود. با استفاده از ضریب همبستگی تفکیکی این اثرات در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۵: سنجش رابطه دو متغیر اصلی با کنترل متغیرهای مداخله‌گر

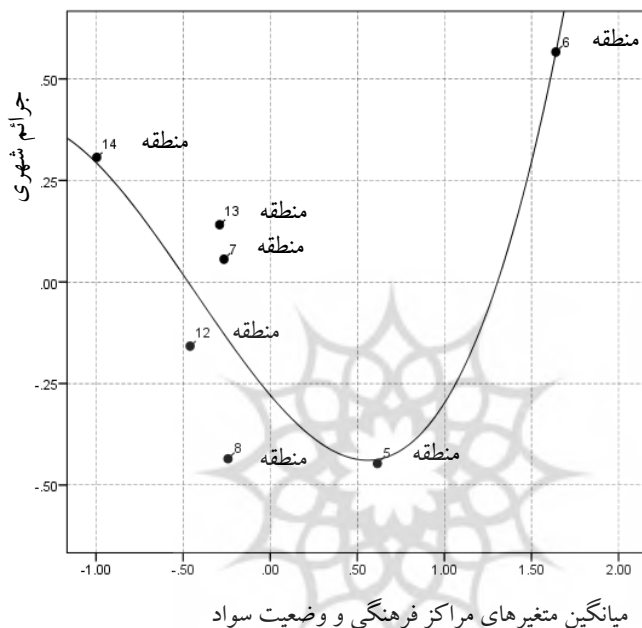
عوامل	متغیرهای جمعیتی	وضعیت اشتغال	وضعیت کالبدی بناها	مراکز فرهنگی و وضعیت سواد	متغیرهای کیفی
جرایم شهری	-۰.۲۶۷	-۰.۳۹۵	-۰.۴۳۲	-۰.۰۳۹	-۰.۰۰۲

ضریب همبستگی تفکیکی وضعیت اشتغال و وضعیت کالبدی بناها دو عدد منفی و نسبتاً بزرگ می‌باشد؛ که به معنای رابطه معکوسی است که نشان‌دهنده‌ی این است که هرچه وضعیت اشتغال شامل درصد نرخ اشتغال، جمعیت فعال و نرخ شاغلان بیشتر باشد، در مناطقی که بلندمرتبه هستند، جرایم کمتر رخ می‌دهد. وضعیت مطلوب‌تر کالبدی بناها نیز به همین ترتیب باعث کاهش جرایم شهری است.



نمودار ۴: نمودار پراکندگی و ارتباط غیر خطی (رابطه کوادراتیک) جرایم شهری و بلندمرتبه‌سازی با متغیرهای کیفی

عوامل فرهنگی و متغیرهای کیفی با نشان دادن دو عدد نزدیک به صفر دو اثر کم اما معکوس را نمایان ساخته‌اند و می‌توان گفت همبستگی و ارتباطی با هم نداشته‌اند. با وجود عدم رابطه‌ی خطی متغیرهای مذکور، رابطه‌ی غیر خطی آن‌ها با دو متغیر اصلی سنجیده شده‌است.



نمودار ۵: نمودار پراکندگی و ارتباط غیر خطی (رابطه کیوبیک یا معادله درجه ۳) جرائم شهری و بلندمرتبه‌سازی با متغیرهای مراکز فرهنگی و وضعیت سواد

در نمودارهای ۴ و ۵ رابطه‌ای که برای عوامل کیفی و عوامل فرهنگی مورد مطالعه با دو متغیر اصلی در نظر گرفته شده است، رابطه‌ی غیر خطی و قوی را نشان می‌دهد. عدد ۰.۵۷۳ و ۰.۷۵۶ که به ترتیب نشان‌دهنده‌ی برازش منحنی برای رابطه‌های مذکور است نشان می‌دهد که در مناطق ۱۴ و ۱۳ و ۷ سرزندگی و مشارکت، سواد و میزان مراکز فرهنگی دارای مقادیر کم و جرائم شهری بیشتر از دیگر مناطق است. در منطقه‌ی ۶ با وجود بالا بودن متغیرهای کیفی و فرهنگی، میزان جرائم شهری بسیار زیاد بوده‌است.

از مشاهده‌ی این نمودارها می‌توان دریافت که با کاهش عوامل فوق‌الذکر جرائم شهری افزایش داشته‌است، اما به دلیل خطی و مستقیم نبودن این رابطه از نقطه‌ای به بعد، که در اینجا همان منطقه‌ی ۶ است، این روند تغییر یافته و با وجود سطح بالایی از عوامل مورد نظر، جرائم افزایش داشته‌است. دلیل نقض رابطه‌ی مستقیم توسط منطقه‌ی ۶، ممکن است ناشی از وجود جرائمی خاص و در نتیجه افزایش فراوانی جرائم در این منطقه بوده‌است.

نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر با توجه به دغدغه‌ی پژوهشگر برای ارتباط دو متغیر اصلی در شهر اصفهان، این مقاله به این دلیل می‌تواند بیشتر مورد توجه قرار گیرد که از حیث نوآوری، اگرچه در تحقیقات پیشین رابطه‌ی آپارتمان نشینی و جرائم بررسی شده لیکن در یک بخش کوچکی از شهر اصفهان و نه در حیطه‌ی مناطق آن- باوجود مطالعات این پژوهش در حوزه‌ی مناطق شهر اصفهان- بوده بلکه در ارتباط با رابطه‌ی متغیرهای مداخله‌گر در میزان و نوع جرائم شهری این متغیرها و شاخص‌های مطالعه شده در این تحقیق، در نظر گرفته نشده‌اند. پس از تحلیل و بررسی متغیرهای مداخله‌گر، سؤال‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مهمترین آن‌ها، ارتباط میان دو متغیر جرائم شهری و بلندمرتبه‌سازی را مورد سؤال قرار داده‌است. همانگونه که بیان شده، شیب خط برازش در نمودار پراکندگی حاکی از این رابطه است که نه تنها این دو متغیر با هم رابطه‌ی خطی قوی‌ای تشکیل نمی‌دهند بلکه بر اساس سؤال دوم پژوهش که میزان رابطه‌ی این دو متغیر را مد نظر دارد، همبستگی مدل خطی این دو برابر با ۰.۰۶۵ بوده است؛ می‌توان گفت که در میان ده‌ها و شاید صدها عواملی که در وقوع و ارتکاب جرم توسط افراد، به طور عمد و یا غیر عمد، مؤثر بوده، نمی‌توان از بلندمرتبه‌سازی که به عنوان یکی از دلایل و به تنهایی سبب افزایش جرم را به میزان ۶.۵ درصد می‌شود، چشم‌پوشی نمود.

در میان ۴ دسته‌ی کلی جرائم شهری همه‌ی گروه‌ها بجز جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن اعداد مثبتی هستند که رابطه‌ی مستقیم اما

کم را نشان داده‌اند. تنها گروه جرائم علیه اموال و مالکیت با ضریب همبستگی پیرسون ۰.۴۷ و ضریب اسپیرمن ۰.۶ در میان سایر گروه‌ها رابطه‌ای قوی را برقرار ساخته‌است. با توجه به بالاتر بودن ضریب همبستگی اسپیرمن نسبت به ضریب پیرسون در جدول ضرایب همبستگی این ۴ دسته در فصل گذشته، ممکن است که افزایش هر واحد متغیر بلندمرتبه‌سازی سبب افزایش واحد جرم نباشد اما در مقیاس رتبه‌ای فرضیه‌ی اصلی پژوهش را بیشتر اثبات نموده‌است، در واقع به طور کلی می‌توان گفت که در مناطق با افزایش بلندمرتبه‌سازی، جرم به میزان کمی افزایش می‌یابد.

پس از تحلیل رابطه‌ی خطی میان جرائم شهری و بلندمرتبه‌سازی، برای درک چگونگی رابطه میان دو متغیر اصلی در این پژوهش، از معادله‌ی درجه‌ی ۲ و یا معادله‌ی کوادراتیک بهره برده شد. با کشیدن خط برازش منحنی در نمودار پراکندگی جرائم بر حسب بناهای بالای ۴ طبقه، میزان بالای همبستگی کوادراتیک با عدد ۰.۹۲ دریافت شد. از همین رو دریافت شد که در مناطقی با بالاترین میزان بلندمرتبه‌سازی و کمترین میزان آن، بیشترین جرائم رخ داده‌است. این نمودار، وجود جرائمی خاص در منطقه‌ی ۶ را بیش از پیش اثبات می‌نماید.

حال با توجه به تأثیرات بلندمرتبه‌سازی بر جرائم شهری، یافتن تأثیر عامل‌های دیگر بر روی جرائم شهری از موارد قابل توجه است. با انجام ضریب همبستگی تفکیکی مقدر شد تا میزان تأثیر هر کدام از عوامل بر روی جرائم سنجیده شود. از مقادیر محاسبه شده این نتیجه گرفته شده است که در این مناطق هرچه وضعیت اشتغال رو به بهبودی رود، از میزان جرائم شهری نیز کاسته خواهد شد زیرا به طور کلی با بهبود وضعیت اشتغال ساکنان یک منطقه، وضعیت اقتصادی خانوار از جمله درآمد نیز بهتر شده و شرایط مالی افراد به یک وضعیت سکون و پایدار می‌رسد؛ از این رو می‌تواند در کاهش جرائم شهری تأثیرگذار باشد. از طرفی وضعیت کالبدی در اکثریت مواقع، می‌تواند ثمره و نشان‌دهنده‌ی وضعیت اقتصادی خانوار باشد، پس هرچه شرایط مالی خانوار مطلوب‌تر بوده، در جهت بهبود مسکن و محل زندگی خود گام برخواهند داشت.

ضریب همبستگی تفکیکی متغیرهای جمعیت‌شناسی، عدد منفی به معنای رابطه‌ای معکوس و عددی با مقدار کم به معنی عدم وجود رابطه‌ای قوی را با جرائم شهری مطرح می‌کند. نتیجه‌ی حاصل از این رابطه نمی‌تواند به طور صریحی دلیل افزایش یا کاهش جرائم را مطرح کند؛ چراکه در هر منطقه عوامل مختلفی سبب ایجاد تنوع در میزان جرائم و همچنین انواع آن شده‌است. از این حیث به دلیل بی‌اثر و کم‌اثر بودن دو عامل مراکز فرهنگی و سواد و متغیرهای کیفی سرزندگی و مشارکت در میزان جرائم، رابطه‌ی غیر خطی آن‌ها سنجیده شد. پس از رسم نمودار پراکندگی و خط برازش منحنی به صورت معادله‌ی کوادراتیک (معادله‌ی درجه‌ی ۲) و معادله‌ی کیوبیک^۱ (معادله‌ی درجه‌ی ۳)، این نتیجه حاصل شد که دو عامل مذکور دارای ارتباط غیر خطی قوی با میزان جرائم شهری هستند. می‌توان دلیل عدم وجود رابطه‌ی مستقیم و تشدید رابطه‌ی غیر مستقیم را میزان بالای جرائم رخ داده در منطقه‌ی ۶ دانست؛ زیرا با وجود بالا بودن سطح سواد و فرهنگ و بالا بودن میزان مشارکت و سرزندگی در دو محله‌ی ۵ و ۶، یکی دارای جرائم کم و دیگری دارای بیشترین جرائم است؛ به گونه‌ای که با چشم‌پوشی از این منطقه، رابطه‌ی بسیار شدید و خطی ایجاد خواهد شد.

پیشنهادهای زیر با توجه به تحلیل‌ها و یافته‌های این پژوهش، به صورت موردی بیان شده‌است.

- محیط زندگی افراد یکی از مهمترین عواملی است که باید مورد توجه قرار گیرد. یکی از مواردی که شدیداً محیط زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، کیفیت سکونت افراد است. از این رو باید سازمان‌ها و مسئولان قوانینی جدی را برای افزایش دوام ساختمان‌های در دست احداث بخصوص بناهایی با طبقات بالا، اتخاذ کنند.
- اعطای تسهیلاتی از قبیل وام‌هایی با بهره کم و بلندمدت می‌تواند افراد را برای بهبود محیط زندگی خود تشویق نماید. اعطای این امکانات می‌تواند شهروندان

- را در مرمت و یا بهبود کیفیت ساختمان زندگی فعلی خود یاری رساند.
- ساخت بناهای بلندمرتبه و محیط اطراف آن‌ها باید مطابق با اصول معماری و شهرسازی و به صورت استاندارد ساخته‌شود. محیط و بناهای مناسب و دارای سرزندگی، علاوه بر افزایش اشتیاق افراد برای زندگی در ساختمان‌های بلندمرتبه مناسب، سبب شناخت بیشتر افراد نسبت به دیگران خواهد شد. این مهم از تجمع افراد بزهکار در محیط زندگی جلوگیری می‌نماید. در منطقه‌ی ۶ نیز کوی شهید کشوری می‌تواند محیطی مناسب برای مجرمان باشد زیرا صرفاً ساختمان‌هایی با طبقات بسیار بالا بدون زیرساخت‌های مورد نیاز شهری، ساخته شده‌است.
 - وجود قوانینی برای کاهش زمان ساخت شهرک‌هایی با ساختمان‌های بلندمرتبه نیز وقوع جرم را در آن‌ها کاهش می‌دهد. از طرفی در حین انجام این پروژه‌ها باید نظارت مستقیمی توسط شهرداری منطقه بر روی محیط صورت گیرد تا از وقوع و یا تجمع بزهکاران جلوگیری کند.
 - تشویق مردم برای ایجاد انجمن‌های مردمی (NGO) برای تأمین امنیت، بخصوص در ۳ منطقه‌ی ۶، ۱۴ و ۱۳ با بالاترین میزان جرائم، علاوه بر جلب مشارکت‌های مردمی، با به کارگیری نیروهای بیکار که ممکن است موجبات جرائم خیابانی نظیر نزاع، کیف‌زنی و غیره را فراهم آورند، بر امنیت و افزایش اعتماد ساکنان آن بخش به یکدیگر می‌افزاید.
 - طراحی شهری یکی از موارد مهمی است که در آن باید امنیت محیطی مد نظر قرار گیرد. طراحی یک محله و به طور کلی یک بخش می‌تواند به گونه‌ای باشد که ورود افراد غریبه را کنترل کند. این کنترل می‌تواند از طریق تماس مستقیم آنان با ساکنان صورت گیرد و این تماس مستقیم می‌تواند از طریق چشم ناظر اتفاق افتد.
 - ایجاد روشنایی کافی در معابر، سبب شده که احساس امنیت افراد در هنگام

- عبور و مرور در شب افزایش یابد. افزایش جریان مردمی در یک مکان، بزهکاران را در ارتکاب جرم با مشکل و محدودیت روبه‌رو می‌سازد. این روش در مکان‌هایی با وسایل و تسهیلات شهری کم که بیشتر در بافت‌های فرسوده- به خصوص مناطق ۱۲ و ۱۴-وجود دارد، کارساز است.
- حضور بیشتر نیروهای انتظامی و کنترل بیشتر در ۷ منطقه‌ی مورد مطالعه، در صورتی مؤثر واقع خواهد شد که این نیروها در مکان‌ها و موقعیت‌های مناسب، شرایط را کنترل کنند.
- با بیان نظریه‌ی پنجره‌های شکسته به این نتیجه می‌رسیم که در مناطق، رسیدگی مکرر و سریع حتی بر کوچکترین عامل مخرب محیط، می‌تواند جرائم را کاهش دهد. برای مثال در منطقه‌ی ۶ در شهرک شهید کشوری و در منطقه‌ی ۸ که دارای زمین‌های بائر بسیار است، رسیدگی هرچند اندک به هرکدام از این مکان‌ها، افراد را از وجود نظارت مستقیم آگاه می‌کند. برای مثال ایجاد فضاهای سبز در مناطق بایر یکی از این روش‌ها است.
- در مناطق حوزه‌ی شمال، ایجاد مراکز فرهنگی از قبیل کتابخانه، سالن‌های سینما، مراکز و مؤسسه‌های آموزشی مانند سازمان‌های فنی-حرفه‌ای و غیره، تجمع افراد با وضعیت سواد و فرهنگ بالاتر را موجب می‌شود.
- تجزیه و تحلیل زیرساخت‌های موجود و شناخت کمبودها و نقوص آنها برای بهبود وضعیت اشتغال افراد در مناطق حوزه‌ی شمال و منطقه‌ی ۱۳ و ۶ حوزه‌ی جنوب و ایجاد مشاغل پایدار و نه کاذب برای شهروندان، می‌تواند افراد را مشغول ساخته و افکار بیمارگونه برای درآمدزایی از طریق ارتکاب جرم را از آنها دور سازد.

منابع:

- ادیبی سعیدی نژاد، ف، عظیمی، الف. (۱۳۹۰). تبیین امنیت در محیط شهری بر مبنای پارامترهای کالبدی و طراحی (مورد شهر بابل‌سر). **فصلنامه‌ی آمایش محیط**، شماره‌ی ۱۵، صص ۱۰۵-۸۱.
- السان، مصطفی. (۱۳۸۷)، پیشگیری چند نهادی از جرائم شهری، **فصلنامه‌ی مطالعات پیشگیری از جرم**، سال سوم، شماره‌ی نهم، صص ۳۲-۸.
- بابایی، ریحانه و اعظم خدادادی. (۱۳۹۴). تأثیر آپارتماننشینی بر میزان جرائم شهری (مطالعه‌ی موردی: شهرک نگین اصفهان). **سومین کنگره‌ی بین‌المللی مهندسی عمران، معماری و توسعه شهری**، صص ۱۴-۱.
- حیدری، غلامحسین، کارگر، بهمن، منافعی، سیده سمیه و خراسانیان، میترا. (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (مطالعه موردی: زنجان). **فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی**، سال چهارم، شماره‌ی اول، صص ۲۷-۱۱.
- دادگستری کل شهر اصفهان.^۱
- دپارتمان حقوق و علوم سیاسی. (۱۳۹۳). **دایرةالمعارف حقوق جزای اختصاصی منطبق با قانون جدید مجازات اسلامی**. تهران: انتشارات جنگل.
- زنگنه شهرکی، سعید؛ پورموسوی، موسی؛ احمدی فرد، نرگس؛ عبدی، ناصح. (۱۳۹۰). تأثیر بلندمرتبه‌سازی بر میزان جرائم شهری (مطالعه‌ی موردی: مناطق بیست و دوگانه تهران). **مجله‌ی پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره‌ی ۷۷، صص ۷۳-۶۱.
- شکویی، حسین. (۱۳۶۹)، **جغرافیای اجتماعی شهرها (اکولوژی اجتماعی شهر)**، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- ضرابی، اصغر، محمدی، جمال و عبدالمهی، علی اصغر. (۱۳۸۸)، بررسی و ارزیابی کاربری اراضی مناطق چهارده‌گانه‌ی شهر با اصفهان با استفاده از روش مقایسه‌ای و LQI استفاده از نرم‌افزار مدل GIS، **نشریه‌ی تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، جلد ۱۰، شماره‌ی ۱۳، صص ۲۰۲-۱۷۳.

۱- به سبب محرمانه بودن داده‌ها از بیان نام فرد یاری دهنده معذور می‌باشیم.

- قناد، فاطمه. (۱۳۷۴)، جرم‌شناسی (نظریه‌های جرم‌شناسی)، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران، دانشکده‌ی حقوق.
- کلاتری، محسن. (۱۳۸۰)، بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی دکتری رشته‌ی جغرافیا، گرایش برنامه‌ریزی شهری به راهنمایی دکتر محمدتقی رهنمایی، دانشکده‌ی جغرافیا، دانشگاه تهران.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۳). **مبانی جرم‌شناسی**، جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مبهوت، محمدرضا، سروش، فهیمه و رحمانی، سحر. (۱۳۹۲). ارزیابی اثرات مثبت و منفی بلندمرتبه‌سازی با توجه به اهداف توسعه پایدار شهری. هشتمین همایش پیشرفت در علم و فناوری معماری و شهرسازی و توسعه‌ی پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار.
- مختاری ملک‌آبادی، رضا، سقایی، محسن و ایمان، فاطمه. (۱۳۹۳)، سطح‌بندی مناطق پانزده‌گانه‌ی شهر اصفهان از لحاظ شاخص‌های شهر خلاق با استفاده از مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، **مجله‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری**، سال پنجم، شماره‌ی ۱۶، صص ۱۲۰-۱۰۵.
- معاونت برنامه‌ریزی، پژوهش و فناوری اطلاعات شهرداری اصفهان (۱۳۹۴). **اطلس کلانشهر اصفهان**، اصفهان: انتشارات نقش کلیک.
- Al-ajokhdar, Amer & Jabi, Wassim. (2016), Towards a 'Contemporary Vernacular' High-rise Residential Development in the Middle-East and North-Africa, The Fifth Architectural Jordanian International Conference: Contemporary Architecture in the Arab World; Opportunities and Challenges Amman, Jordan, See discussions, stats, and author profiles for this publication at: <https://www.researchgate.net/publication/309548239>, 1-12.
- Carmona, Matthew, Heath, Tim., Oc, Taner., Tiesdell, Steve. (2003). **Public Places, Urban Spaces**, Oxford, Architectural Press.
- Gifford, R. (2007). The Consequences of Living in High-Rise Buildings. *Architectural Science Review* 50(1), p. 2.
- Kearns, A. et al. (2012). Living the high life? Residential, social and psychosocial outcomes for high-rise occupants in a deprived context. *Housing Studies* 27(1), pp. 97° 126.
- Kelly, Eric Damian, Crabtree, Dain (2009), **Securing The Built Environment: An Analysis Crime Prevention Through Environmental Design**, Ball State University, Muncie, Indiana.
- Roth rock, Sara E. (2010), **Antiterrorism design and public safety:**

reconciling CPTED with the post, Massachusetts Institute of Technology, Dept. of Urban Studies and Planning.

- Shaw, Margaret and Carli, Vivien. (2011), Practical Approaches to Urban Crime Prevention (Proceedings of the Workshop held at the 12th UN Congress on Crime Prevention and Criminal Justice, Salvador, Brazil, April 12-19, 2010), Published by: International Centre for the Prevention of Crime UNODC.
- Schneider, S.& Percy, P. (1996), The Theory and Practice of Crime Prevention Through Environmental Design, A Literatur Statistic and Information Center of Tehran, 2008, Number of Buildings Floor and their Height in Tehran, 22 Zones.
- Short, Michael J. (2007), Assessing the impact of proposals for tall buildings on the built heritage: England s regional cities in the 21st century, Available at ELSEVIER, 97-199.
- Wilson, J. Q., Knelling, G. L., (1989), Making Neighborhoods Safe, the Atlantic Monthly
- Wood, A. (2013). The Future of Tall. In: Parker, D. and Wood, A. eds. The Tall Buildings Reference Book. Oxon: Routledge, pp. 353° 361.

